

چکیده مبحث ششم:

ساختارهای اقتصادی برانداز نظام: وابستگی تأمین زندگی مرفه (رفاه روزافزون) به قرارگرفتن کشور در مدار «مزیت نسبی و تقسیم کار جهانی» بر محور تبعیت همه جانبه از قطب های جهانی سرمایه و تکنولوژی

بعد از تبیین ساختارهای اقتصادی قاتل امام (ع) که منجر به مصیبت عظمی در عا شورا شد، حال باید دانست معاویه و یزیدهای امروز چگونه بساط دنیاپرستی به راه می اندازند و مردم را از محور نور جدا می کنند؟ آیا دنیاپرستی از طریق ساختارهای گذشته به مردم القاء می شود یا ساختارهای اقتصادی کفر مدرن، برای دور کردن بشریت از خداپرستی و آخرت گرایی بسیار پیچیده تر عمل می کنند؟! در پاسخ باید توجه داشت که با وجود شعار مشارکت و آزادی و حضور مردم در انتخابات و تعیین دولت و مجلس توسط آنان، هیئت حاکمه منتخب باید از «الگوی توسعه» به عنوان روش علمی اداره کشور تبعیت کند. این الگو جایگاه و فعالیت هر کشور را بر اساس «مزیت نسبی و تقسیم کار جهانی» در اقتصاد جهانی تعریف می کند و لذا یک کشور نمی تواند با استناد به خواست ملت خود هر نوع استراتژی سیاسی و فرهنگی و اقتصادی را پیش بگیرد.

در واقع مزیت نسبی تنها مخصوص به شهرها نیست بلکه نظم و مدیریت جهانی، مزیت نسبی را برای کشورها نیز معین می کند. سپس تقسیم کار جهانی می کند و تمام کشورها باید این نظم را بپذیرند؛ به طور مثال می گویند کره جنوبی یا هند در IT فعالیت کند و بقیه نیازهایش را در ارتباط با بقیه کشورها تأمین کند. روسیه و ایران در صنعت گاز و نفت جهان را تأمین کنند و بقیه نیازهایشان را در ارتباط با کشورهای دیگر به دست بیاورند. پس کشورها برای ارتباط تولیدی و تجاری با یکدیگر باید از نظم جهانی و ثبات منطقه ای که آنها تعریف کرده اند تبعیت نمایند. در واقع برخلاف شعار دموکراسی و رأی مردم در انتخاب حاکمیت ها که باید طبق منافع و نظر مردم عمل کنند، حاکمیت ها از طریق «ادبیات توسعه پایدار» مقید به نقشه ای هستند که نظام مدیریت جهانی بر اساس مزیت های نسبی کشورشان به آنها ارائه می دهد. البته روشن است که تشکیل و طراحی این دهکده جهانی و این تقسیم کار بدون رؤسا و محوریت آنان ممکن نیست و این روند، صاحبان و رؤسای دارد که همان هفت کشور صنعتی و پنج کشور دارنده حق و تو هستند و منافع شان باید محور این دهکده قرار بگیرد و تأمین شود. لذا هر کشوری که منافع آنان را به رسمیت نشناسد و منافع خود را بر منافع آنها ترجیح دهد، نیازهای زندگی مدرن او را نمی دهند و در نتیجه زندگی مرفه برای چنان کشوری گران در می آید. پس ساختارهای اقتصادی حاکم بر جهان است که تولید ثروت را بدون هماهنگی سیاسی با قطب های ثروت و سرمایه و تکنولوژی ناممکن می داند. این مظالم ساختاریافته را با اسم «توسعه یافتگی» و «الگوی توسعه پایدار و همه جانبه» می توان شناخت.

ادبیات توسعه یافتگی در تعریف رفاه می گویند: «هیچ حدی برای رفاه نیست و زندگی مادی باید دائماً و از طریق تکنولوژی برتر و تحقیقات سازمانی، پیچیده تر شود و همه امور حتی احساسات بشری نیز در خدمت این روند سریع قرار بگیرد. به هر سطحی از رفاه رسیدید در آن سطح متوقف نشوید و به سمت سطح بعدی بروید». این معنا از رفاه، رفاه دنیاپرست های دیوانه ی لذت و مجانین شهوت

است. سپس ملت‌ها را می‌ترسانند و می‌گویند «این رفاه و کالاهایی که در حال ارتقاء و بهینه‌است، سرمایه‌های سنگین لازم دارد و این سرمایه‌ها را به هرکسی نمی‌دهیم. باید منافع ما را تأمین کنید تا به شما نیز بدهیم».

ممکن است گفته شود «ما محتاج‌مان را خودمان تولید می‌کنیم، یعنی سیلو را خودمان می‌سازیم، آبیاری قطره‌ای را خودمان انجام می‌دهیم...» اما غافل از این‌که اگر ساختارهای اقتصادی جهان را تغییر ندهیم و آن را بپذیریم، خودکفایی در همه نیازمندی‌های یک کشور و تولید هزاران هزار کالایی که دائماً ارتقاء پیدا می‌کند و جامعه آنها را مصرف می‌کند، عملاً در بسیاری از کالاها ممکن نیست و اگر ممکن هم باشد، به صرفه نیست زیرا هزینه‌های زندگی مرفهی که دائماً سطح رفاه آن در حال ارتقاء است، به قدری سنگین است که هر کشوری به تنهایی نمی‌تواند هزینه‌های خود را تأمین کند. بنابراین به ما می‌گویند: باید یک دهکده جهانی تشکیل داد و «تقسیم کار بین‌المللی و جهانی» صورت گیرد و هر چند کشور بر تولید و تأمین بخشی از نیازهای خود و جامعه بین‌المللی متمرکز شوند و سایر نیازهای خود را از دیگر کشورها تأمین کنند. بر این اساس، عنوان «مزیت نسبی، تقسیم کار جهانی و موقعیت جغرافیایی» مطرح می‌شود. ادبیات «توسعه پایدار و همه‌جانبه» با این ابزار، می‌خواهد ملت‌ها را به خضوع بکشاند. در واقع وقتی الگوی مصرف مردم جهان را تغییر دادند و سپس دستیابی به آن الگوی مصرف به تولیدات پیچیده مقید شد و این تولیدها نیز کارخانه‌ها و خط تولیدهای خاصی را در پی داشت و کارخانه‌ها بدون سرمایه‌های سنگین و بزرگ به راه نیفتاد، طبیعی است که حاکمیت‌ها به دنبال قطب‌های سرمایه و تکنولوژی به راه بیفتند و از آن تبعیت کنند و برای تأمین دنیای خود، همه اوامر و نواهی آنها را بپذیرند. لذا تمامی هیئت‌های حاکمه و همه کشورها در دوران مدرن به دنبال آن هستند که خود را به یکی از قطب‌های ثروت و سرمایه و تکنولوژی وصل کنند. بنابراین «استقلال» که بزرگ‌ترین دستاورد ملت ایران و هدیه خدای متعال به این ملت حسینی است، در ساختارهای اقتصادی حاکم بر جهان، غیر علمی‌ترین امر در اقتصاد تلقی می‌شود.

اگر ملتی مانند مردم ایران یا یمن بگویند ما این نظم‌ها و ثبات‌ها را نمی‌خواهیم و در تقسیم کار سیاسی و اقتصادی نمی‌پذیریم زیردست امریکا یا عربستان باشیم، آن‌ها را به «خیول اهل الشام و بمنع الاعطیه» حواله می‌دهند؛ یعنی با جنگ و حذف عطا و رزق جهانی تهدیدشان می‌کنند. حذف «عطا و رزق جهانی» یعنی به آن‌ها می‌گویند: «اگر می‌خواهید زندگی کنید، اگر می‌خواهید ساختمان و جاده بسازید و رسانه و برق و آب و بازار پررونق داشته باشید، این امور سرمایه و تکنولوژی لازم دارد و اگر نظم و ثباتی که ما می‌گوییم نپذیرید، سرمایه و تکنولوژی را از شما دریغ می‌کنیم، چون صاحب جهانی سرمایه و تکنولوژی ما هستیم». این وضعیت خیلی پیچیده‌تر از گذشته شده است. امروزه کشورها و حاکمیت‌ها باید در مدار یک نظم منطقه‌ای و بین‌المللی معین بچرخند و اگر در آن مدار قرار نگیرند با جنگ و صلحی که در شورای امنیت و با استفاده از حق وتوی که برای خودشان قائل شدند، بیچاره‌شان می‌کنند. اگر جنگ و صلح نیز کارساز نبود، محاصره و تحریم اقتصادی کرده و تکنولوژی و سرمایه‌ای که نان مردم وابسته به آن است را از آن ملت می‌گیرند تا زندگی برایشان گران و سخت شود. البته نظام مقدس جمهوری اسلامی با تکیه به ادبیات وحی و تکلیف الهی خود، نمی‌خواهد در مدار نظم طراحی‌شده توسط کفر جهانی قرار بگیرد و لذا به کشور ثبات‌زدا متهم می‌گردد که ثبات منطقه‌ای را به هم زده است. بله؛ جمهوری اسلامی ثبات دنیایستی را به هم زده است و در مقابل ظلم و سپردن سرنوشت مسلمانین به دست عییدالله‌های مدرن ساکت نمی‌نشیند. شعار «نه شرقی، نه غربی» حضرت امام (ره) که با حمایت و پشتیبانی ملت ایران محقق شد، به این معنی است که ملت ایران با تهدید به قطع نظام عطا و رزق جهانی، عقب نمی‌نشیند چون ملت ایران آخرت‌گرا است و نسبت به «ظلم‌ها و عدل‌ها» و حفظ توازن قوای اسلام در مقابل کفر ایستادگی کرده است. البته باید این دستاورد بزرگ انقلاب توسط حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها به تولید ساختارهای اقتصادی متناسب با اسلام و عدالت علوی منجر شود تا بتواند نظام اسلامی را در برابر ساختارهای اقتصادی برانداز نظام بیمه کند.